



نقد را با چشم و هم چشمی اشتباه گرفته ایم



آذرتاش آذرنوش*

البته این کتاب‌ها غالباً سود مادی ندارد و معمولاً اثری نیست که چند بار تجدید چاپ شود و نمونه آنها را در دانشگاه‌ها خیلی می‌بینیم. این افراد کتاب دیگران را با اندکی تغییر به نام خود چاپ می‌کنند. یک نتیجه نهایی که از این موضوع می‌توان گرفت، این است که ما اخلاق نویسندگی نداریم و کتاب‌های دیگران را به نام خود چاپ می‌کنیم. موضوع مهم‌تر این که تنها با کتاب‌های داخلی این کار را نمی‌کنیم، بلکه از کتاب‌های خارجی هم مقالاتی را ترجمه و به نام خود چاپ می‌کنیم. تنها راهی که می‌تواند ما را از این پدیده ناهنجار در امان بدارد، تدارک یک بانک اطلاعاتی است که گویا در این زمینه کارهایی شده است. در حال حاضر جای یک بانک اطلاعاتی خیلی دقیق که در هنگام بررسی پیشینه یک تحقیق، چه به صورت مقاله چه به صورت کتاب، از طریق جست‌وجوی رایانه‌ای به ما کمک کند خالی است. من در مقام داور بارها با این پدیده بویژه در زمینه مقالات، مواجه شده‌ام. یک مقاله به نام شخصی برای داوری می‌آید و یک سال بعد چیزی شبیه آن، به نام دیگری به دستم می‌رسد. اگر استادان وسیله‌ای داشتند، می‌توانستند خود را از این خطر نجات دهند و آن وسیله تنها بانک اطلاعات علمی است که به همه نویسندگان در یافتن آن موضوعی که می‌نویسند، کمک کند.

به عقیده شما آیا افزایش نظارت نهادهای مسئول نمی‌تواند کارآمدتر از بانک اطلاعاتی باشد؟

داوری کردن کتاب یا مقاله کار بسیار سطح بالایی است و اگر در ایران بگردیم در رشته‌ای مانند ادبیات فارسی و ادبیات عرب، تعداد کمی داور جدی داریم که کتاب را از دیدگاه‌های مختلف، سوابق محتوایی و غیره مورد بررسی قرار دهند.

در دوران جدید متأسفانه مقوله‌ای به نام پخته‌خواری و کتاب‌سازی بازار نشر را بشدت تحت تأثیر قرار داده است. به عقیده شما علل این ناهنجاری در نشر چیست و چگونه باید با پیشرفت آن مقابله کرد؟

از چند جهت می‌توان به مقوله کتاب‌سازی نظر افکند. از نظر اقتصادی و از نظر جامعه‌شناسی در حال حاضر با پدیده‌ای مواجه شده‌ایم که نام آن را باید کتاب‌نویسی و مقاله‌نویسی گذاشت؛ ولی متأسفانه این آثار، خواننده خیلی کم دارد. تیراژ کتاب‌ها معمولاً بین ۵۰۰، ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ دور می‌زند و از این فراتر نمی‌رود؛ اما از وضع کتاب بدتر، وضع مقالاتی است که در مجلات پژوهشی و غیره چاپ می‌شود. متأسفانه گاهی به این نتیجه می‌رسیم که مقالاتی که برای ارتقای سطح استادان به چاپ می‌رسد، خوانندگان بسیار اندکی دارد. گاه اتفاق می‌افتد که یک مقاله چهار نفر هم خواننده ندارد و این خوانندگان به صورت سطحی مجله را تورق می‌کنند و رد می‌شوند. چون موضوع جاذبه ندارد و خواننده را بر نمی‌انگیزد و اصولاً نویسندگان در آن حرف زیادی ندارد. وضعیت کتاب هم همین طور است؛ کتاب در سطح گسترده‌ای چاپ می‌شود و تعداد خوانندگان معمولاً زیاد نیست؛ به همین دلیل خلئی ایجاد می‌شود؛ یعنی گروه زیادی نیستند که یک کتاب را بخوانند و در خاطر داشته باشند.

به هر حال کتاب‌نویسی و چاپ کتاب چند انگیزه دارد که یکی از آنها کسب شهرت است و سودآوری‌های اقتصادی و در این بازاری که کتاب‌خوان کم داریم، متأسفانه کسی متوجه نمی‌شود که این کتاب از کتاب دیگری تقلید شده و این باعث می‌شود که افراد با جرأت بیشتری کتاب چاپ کنند.

* عضو شورای عالی علمی دائرةالمعارف بزرگ اسلامی



مجله‌ای در یک شهرستان، نامه‌ای نوشت برای عده‌ای از استادان و نویسندگان معروف و از سردبیر مجله تقاضا کرد که اگر کسی نقد و مقاله‌ای برای کتاب دارد، برای مجله ارسال کند و بیش از صد و پنجاه مقاله برای آن مجله آمد. من بسیاری از این نویسندگان را می‌شناختم و می‌دانستم تازه پا به میدان ادب و دانشگاه گذاشته‌اند و اصلاً توانایی مقاله‌نویسی ندارند و قصدشان قرار گرفتن در جریان امور است. اگر یک بانک اطلاعاتی داشتیم، می‌توانستیم از خطر اول — که دزدی مقالات دیگران است — جلوگیری کنیم.

علاوه بر کتاب‌سازی و مقاله‌سازی، با معضل پایان‌نامه‌سازی هم مواجه هستیم که در دوران اخیر رشد زیادی داشته است. به نظر شما در این باره چه چاره‌ای می‌توان اندیشید؟

متأسفانه فاجعه از همین پایان‌نامه‌ها شروع می‌شود؛ وقتی پایان‌نامه را نظر می‌دهیم و پروپوزال آن را بررسی می‌کنیم، دانشجو موضوعی ارائه می‌دهد و بعد از آن نمره می‌گیرد و این امر طبیعتاً باید باشد به شرطی که استاد راهنما، دانشجو را حقیقتاً راهنمایی کند؛ اما این یک طرف قضیه است. در برخی موارد جلوی دانشگاه‌ها آگهی می‌دهند که «پایان‌نامه می‌نویسیم» و دانشجو پایان‌نامه و رساله خود را این‌گونه فراهم می‌کند، بدون آن که نقد شود و این پدیده‌ای است که به کمک بانک اطلاعاتی می‌توانیم جلوی آن را بگیریم. فرض کنید در دانشکده‌ها مقرر شود که پس از تصویب موضوع، آن را برای این بانک بفرستند، با این روش می‌توانیم جلوی بعضی تقلب‌ها را بگیریم. البته همیشه مقداری کج‌روی وجود دارد؛ ولی باید تا حد ممکن اطلاعات را جمع کنیم.

همان‌گونه که مستحضربید متأسفانه فضای نقد نیز در کشور ما به صورت جدی — چه در دانشگاه و چه غیر از آن — دنبال نمی‌شود. برای پیشرفت در حوزه نقد چه باید کرد؟

اگر ما توان نقد قوی داشتیم، خیلی از مشکلات حل می‌شد. باید از تمام ابزارها مثل بانک اطلاعاتی و مراکز نقد کتاب استفاده کنیم و تقریباً یک بار کتاب‌هایی را که به تقلید از دیگران چاپ می‌شود نقد کنیم. اگر نقد علمی کتاب‌ها گسترش پیدا می‌کرد، در سطحی از جامعه واقعاً خیلی کارها پیش می‌رفت و لاقلاً می‌توانستیم در یک زمینه و یک سطح دانشی از جامعه، کتاب خوب تولید کنیم و مانع کج‌روی‌ها شویم، اما متأسفانه ناقد خیلی جدی نداریم و هنوز جامعه ما نپسندیده

است که مفهوم نقد یعنی بهبودسازی کتاب و به معنای جنگ و جدال و انتقام‌گیری نیست. متأسفانه بیشتر نقدهای ما جنبه چشم‌وهم‌چشمی پیدا کرده است. کسی که نقد می‌نویسد، گاه در معرض بی‌حرمتی‌ها و تندیه‌هایی قرار می‌گیرد و این موضوعی است که در کشورهای دیگر نمی‌بینیم. باید اعتراف کنم حوزه نقد ما پیشرفت خوبی نداشته است. باید به جای مجله‌های بی‌محتوا که هم اکنون چاپ می‌شود، مجله‌هایی منتشر شود که پایه آن نقد آثار باشد.

با این وضعیت نابسامان حوزه نشر، آیا الحاق ایران به قانون جهانی کپی‌رایت می‌تواند کمکی بکند و تا حدی این آشفته‌بازار را سامان دهد؟

پیوستن به کپی‌رایت و رسیدن به یک درجه علمی افتخار است که ما کارهایمان را با کار دیگران بسنجیم و قبول کنیم که جنبه‌های مادی مراعات شود؛ اما وارد شدن در کپی‌رایت به نفع ما هست یا نه؟ ظاهراً نه، چون سطح فرهنگی ما در انتشار مقاله از اروپایی‌ها کمتر است.

با توجه به این که پخته‌خواری در حوزه تصحیح نسخ فراوان دیده می‌شود، در این باره چه باید کرد؟ عملکرد مرکز پژوهشی میراث مکتوب را در این زمینه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من به مرکز پژوهشی میراث مکتوب تبریک می‌گویم که کارهایی جدی در حوزه تصحیح متون انجام می‌دهد و آرزو می‌کنم کتاب‌های قدیمی بیشتری چاپ شود. در این زمینه برخی براحتی کتاب چاپ‌شده دیگران را برمی‌دارند و چند لغت را باشتباه اضافه می‌کنند. البته در این باره نیز از طریق نقد و بانک اطلاعاتی می‌توانیم جلوی این موضوع را بگیریم و شیوه‌هایی پیدا کنیم که بر حسب آن، این کار یعنی «رونویسی» را کاری نادرست و غیر اخلاقی بدانیم و حتی متخلفان را دادگاهی و مبرای جرائمشان مجازات‌هایی وضع کنیم.

بسیاری از پژوهشگران معتقدند که وضع قوانین برای اهالی قلم و نویسندگان کار درستی نیست.

اهل قلم داریم تا اهل قلم. اگر کسی کتاب من را به نام خود چاپ کند، من چه کاری می‌توانم انجام دهم؟ مگر می‌شود این موضوع را به دستگاه قضایی نکشاند؟ کتاب مورد نیاز مردم است. اگر کسی کتاب دیگری را به نام خود چاپ کند، جز از راه قانونی چه کار می‌توان کرد؟

